

# تحلیلی از شیوع تروریسم منطقه‌ای و تأثیر آن بر

## محیط کسب‌وکار در ایران

حمید پاداش\* و بهمن خدایناه\*\*

تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۲/۱۴ تاریخ پذیرش ۱۳۹۶/۱۲/۲۲

در دهه‌های اخیر، تروریسم به‌طور روزافزونی ناامنی در محیط کسب‌وکار و ریسک فعالیت شرکت‌ها را افزایش داده و سیاستگذاران اقتصادی را با دو سؤال کلیدی مواجه کرده است: ۱. علل اقتصادی شکل‌گیری تروریسم چیست؟ و ۲. تأثیر آن بر محیط کسب‌وکار در کشورهای درگیر تروریسم چه می‌تواند باشد؟ از منظر تئوری اقتصادی، تجارت جهانی و سرمایه‌گذاری‌های خارجی نیازمند افزایش سطح امنیت اقتصادی است. وجود تروریسم در یک منطقه خاص، ریسک سیاسی کشورهای منطقه را بالا برده، موجب تشدید ناامنی اقتصادی شده و آنها را از اقتصاد جهانی جدا می‌کند. مقاله حاضر به بررسی این علل و تأثیر تروریسم در منطقه خاورمیانه بر ناامنی محیط کسب‌وکار پرداخته است.

تحقیق حاضر از نقطه‌نظر هدف کاربردی و ازلحاظ ماهیت و روش گردآوری داده‌ها، پژوهش توصیفی است. بخش اول این مقاله به بررسی روند تروریسم جهانی و منطقه‌ای پرداخته است. بخش دوم مقاله تأثیر تروریسم بر محیط سرمایه‌گذاری و به‌طورکلی محیط کسب‌وکار در ایران را مورد ارزیابی قرار داده است. نتایج حاکی از این است که فعالیت‌های تروریستی منطقه به‌ویژه در دهه اخیر، موجب افزایش ناامنی اقتصادی شده، ریسک سرمایه‌گذاری را بالا برده و سطح تجارت خارجی ایران را به‌صورت منفی تحت تأثیر قرار داده است.

**کلیدواژه‌ها:** تروریسم؛ محیط کسب‌وکار؛ امنیت اقتصادی؛ منطقه خاورمیانه؛ ایران

\* استادیار دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛

Email: hamidpadash@ut.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری کارآفرینی، دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران؛

Email: khodapanah@ut.ac.ir

## مقدمه

تروریسم ریشه در فعالیت‌های خشونت‌آمیزی دارد که با تهدید، ارعاب و اجبار به‌منظور دستیابی به مقاصد سیاسی و اقتصادی انجام می‌شود (Chenoweth, 2013). تروریسم شکلی از گروه یا حزبی است که در طول تاریخ نمایان بوده است، اما اوج تمرکز ملل بر مسئله تروریسم را می‌توان به دوران پس از وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر در نیویورک نسبت داد (Abadie and Gardeazabal, 2008; Aon, 2015; Ozer, 2016). در واقع، جامعه جهانی پس از این حادثه بود که تمرکز بیشتری بر مسئله تروریسم نسبت به هر دوره دیگری در دوران مدرن کردند. از حمله غافلگیرانه گروه دولت اسلامی عراق و سوریه (داعش)، تا ناآرامی‌های داخلی در شهرهای ایالات متحده، نشان از این دارند که ریسک سیاسی و حملات تروریستی و شبه‌تروریستی موضوعی است که همانند اقتصادهای نوظهور، می‌تواند گریبان‌گیر اقتصادهای توسعه‌یافته نیز می‌تواند باشد (Aon, 2015).

تروریسم، در بلندمدت بر همه جنبه‌های زندگی مردم و به‌ویژه کسب‌وکار مردم عادی تأثیر می‌گذارد؛ در ایالات متحده آمریکا از سال ۲۰۰۱ به این سو، هیچگونه حمله تروریستی وجود نداشته است. با این وجود، تروریسم هرگز ناخودآگاه عموم مردم را ترک نکرده و همچنان به‌صورت مسئله‌ای سیاسی و اجتماعی باقی مانده است (Edobor, 2014). تهدیدات تروریستی، «ارزیابی سیاسی افراد، نگرش‌ها و رفتارها» را تحت تأثیر قرار داده، نگرانی در این مورد را گسترش داده و بر ارزیابی ملل در انتخاب رهبران و گزینش آنان در همکاری‌های بین‌المللی و عوامل دیگر تأثیرگذار بوده است (Merolla and Zechmeister, 2013). حملات تروریستی در سراسر جهان هر ساله موجب کشته شدن هزاران نفر و ضرب و جرح عده کثیری شده و باعث آسیب دیدن اقتصاد می‌شود. در چنین شرایطی اینکه ترس و تهدید تروریسم یک اثر روانی فلج‌کننده بر جامعه می‌گذارد می‌تواند طبیعی و مورد انتظار باشد (Richards, Fussey and Silke, 2012; Worrell, 2012).

در سال‌های اخیر، القاعده و گروه‌های وابسته به آن در کشورهایمانند مصر، اندونزی، کنیا، مراکش، عربستان سعودی، اسپانیا، ترکیه و انگلستان دست به حملات عمدی، خشن و مهلک زده‌اند و نتیجه آن، فراگیر شدن شیخ تهدیدات تروریستی است که

دامن لیبرال‌ها و غیرلیبرال‌ها را گرفته است (Sageman, 2014). طبق شواهد آماری و تجربی موجود، یکی از اهداف اصلی تروریسم منحرف کردن محیط کسب‌وکار از حالت عادی به حالت بحرانی است (Larbonia and Pate, 2009). از منظر اقتصادی، تروریسم به‌عنوان تهدیدی اساسی برای جوامع و نیز چالشی بزرگ برای کسب‌وکارها در همه سطوح، به‌ویژه بین‌المللی است. از این رو بیان این نکته ضروری است که بازیگران خرد و کلان سازمان‌های کسب‌وکار مانند دولت‌ها، تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و مشتریان تحت تأثیر تروریسم قرار دارند. تروریسم از طریق ناامنی و ایجاد اختلال در محیط کسب‌وکار موانع بسیاری بر سر راه ایجاد کرده و هزینه مبادله را افزایش می‌دهد (Suder, 2004: 50). شاخص جهانی تروریسم نشان می‌دهد که طبق شواهد آماری موجود، هزینه اقتصادی که تروریسم بر جوامع به‌طور عام و محیط کسب‌وکار به‌طور خاص تحمیل می‌کند بالغ بر ۵۲/۹ میلیارد دلار برآورد شده است (Global Terrorism Index, 2015).

ایران نیز خواسته یا ناخواسته تحت تأثیر پدیده تروریسم قرار دارد و تحولات و تغییرات صورت گرفته در این باره بر امنیت ملی کشور و مؤلفه‌های وابسته به آن اثرگذاری متقابل دارد. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های امنیت، مفهوم امنیت اقتصادی است. در واقع، بازتاب تمرکز بر آثار تروریسم بر فضای کسب‌وکار در ایران، توجه به امنیت اقتصادی در سطوح عالی سیاست‌گذاری بوده است. امنیت اقتصادی مسئله پیچیده‌ای در میان طبقات اجتماعی و اقتصادی است که تحت تأثیر شدید محیط همیشه در حال تغییر و تهدیدات داخلی و خارجی اقتصادی قرار دارد. امنیت اقتصادی امروزه به‌عنوان اساس امنیت ملی تلقی می‌شود. امنیت ملی منعکس‌کننده توان نهادهای مرتبط سیاسی و قانونی دولت‌ها به‌منظور حفاظت از منافع بازیگران کلیدی در اقتصاد ملی است. به همین دلیل توسعه امنیت اقتصادی بایستی در همه مراحل توسعه امنیت ملی لحاظ شود (Merolla and Zechmeister, 2013).

تهدید یا استفاده از سازوکار خشونت، به‌منظور دستیابی به اهداف سیاسی یا انتقال پیام‌های سیاسی با ایجاد ارباب در سازمان‌ها و سطح جامعه، مهم‌ترین هدفی است که تروریست‌ها دنبال می‌کنند. دسترسی به اطلاعات دقیق از چگونگی واکنش کسب‌وکارها به عملیات تروریستی بسیار محدود است. از سویی، کمتر اقتصاددانی در جهان، علل اقتصادی

شکل‌گیری تروریسم و تأثیر آن بر کسب و کارها را بررسی کرده است. از این رو، هنوز مطالعه جامعی با ملاحظه همه عوامل تأثیرگذار بر تروریسم انجام نشده است.

تحقیق حاضر علل اقتصادی شیوع تروریسم را در منطقه واکاوی کرده و تأثیر آن را بر محیط کسب و کار کشور که مستقیماً با مفهوم امنیت اقتصادی در ارتباط است بررسی می‌کند. در همین راستا، به بررسی مبانی نظری و پیشینه تحقیقات انجام شده و ارتباط تروریسم با کسب و کار و همچنین تأثیر تروریسم بر سطح رقابت‌پذیری اقتصاد ملی و توانایی جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پرداخته شده است و در نهایت جمع‌بندی و نتیجه‌گیری و پیشنهادهایی از منظر سیاست‌گذاری ارائه کرده است.

### ۱. مبانی نظری

هرچند عوامل اقتصادی و حمایتی نقش بسزایی در جذب منابع خارجی و رونق محیط کسب و کار در اقتصاد هر کشور ایفا کرده و میزان سوددهی طرح و جذابیت آن را برای سرمایه‌گذاران نشان می‌دهند، با این وجود همه عوامل می‌بایست در محیطی با ثبات و مطمئن قرار گیرد که آینده سرمایه‌گذاری را تضمین می‌کند تا سرمایه‌گذاران نسبت به آینده طرح و سوددهی آن مطمئن باشند. کشور درگیر ناآرامی‌های سیاسی یا اجتماعی که دارایی سرمایه‌گذاران را تهدید می‌کند، هر اندازه هم که از نظر اقتصادی جذاب باشد، باز هم در جذب منابع خارجی موفق نخواهد بود. در حقیقت سرمایه‌گذاری خارجی در محیطی شکل می‌گیرد که فضای مورد نیاز آن وجود داشته باشد. پویرسون<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) و فابریسیوس<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) مجموع این عوامل را به‌عنوان «امنیت اقتصادی»<sup>۳</sup> معرفی کرده‌اند. واژه «امنیت» معمولاً همراه با مفاهیمی مانند صلح، ثبات، نظم، حکومت قانون، احساس آرامش و اطمینان به آینده به ذهن متبادر می‌شود و مستلزم رفع موانعی است که در برابر آن قرار می‌گیرد. از لحاظ ابعاد گوناگون مفهوم امنیت، می‌توان به مهم‌ترین و مشهورترین معنی آن توجه کرد که عبارت از حذف اعمال زور غیرقانونی از راه مواجهه قانونی با چنین اقداماتی است (تمدن و درخشان، ۱۳۸۲).

1. Poirson

2. Fabricius

3. Economic Security

ارتباط تنگاتنگ مفهوم امنیت اقتصادی با مفاهیم آزادی، حاکمیت قانون، برابری فرصت‌ها، رفاه، رشد اقتصادی، عدالت در مبادله و عدالت در توزیع است. مفهوم آزادی معمولاً به آزادی‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و فکری قابل تقسیم است. آنچه به نام آزادی‌های اقتصادی مطرح می‌شود شامل موارد متعددی مانند آزادی کار، بنگاه‌ها، بازرگانی، قراردادهای بازارها، رقابت، ورود به صنایع گوناگون، شغل و مصرف است و گفته می‌شود که سلب این آزادی‌ها، سلب‌کننده امنیت اقتصادی نیز است؛ گرچه برای هر یک از این آزادی‌ها حدودی وجود دارد (همان).

پایه‌های اصلی مباحث امنیت اقتصادی (براساس تعریف فابریوس) در مکتب نهادگرایی مطرح شده است. در این مکتب با نگرش پویا به پدیده‌های اقتصادی، نقش دولت به‌خصوص در ایجاد و اصلاح نهادها و بهبود عملکرد سیستم اقتصادی مورد تأکید قرار گرفته است. جان کنت گالبرایت از نهادگرایان سنتی معتقد است که برای تأمین امنیت اقتصادی، جلوگیری از واگرایی نوسانات و رفع نگرانی از مسائلی نظیر ضایع شدن حق مالکیت اجتناب‌ناپذیر است و سطح بالای امنیت و تأمین اقتصادی شرط لازم برای حداکثر تولید است. در مقابل، تولید بیشتر نیز زمینه مناسب برای تأمین امنیت اقتصادی است. در این زمینه دولت نقش اساسی، به‌ویژه در بهبود حمل‌ونقل و بهداشت، ایفا می‌کند. بر این اساس، برای امنیت اقتصادی تعاریف متنوعی ارائه شده که هر یک به جنبه خاصی از موضوع اشاره دارند. در ادامه به چند مورد از این تعاریف اشاره شده است.

● امنیت اقتصادی چارچوب نهادی است که احساس اعتماد را به پس‌اندازکنندگان و سرمایه‌گذاران القاء و امنیت فیزیکی افراد و امنیت قانونی معاملات را تضمین می‌کند (Fabricius, 1998).

● امنیت اقتصادی، فراهم کردن یک فضای حقوقی، اجتماعی و سیاسی است که در چارچوب آن طرح‌های سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی بتوانند از آغاز تا مرحله بهره‌برداری و پس از آن بدون نگرانی از اخلال و آشوب بیرونی، به انجام رسند (پورسید، ۱۳۸۲).

● امنیت اقتصادی رسیدن به شرایطی است که براساس آن بهبود نسبی بلندمدت در بهره‌وری سرمایه و نیروی کار و در نتیجه استاندارد بالای زندگی فراهم شود و یک محیط

تجاری مناسب و امن برای شکل‌گیری نوآوری، سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و رشد پایدار اقتصادی به وجود آید (همان).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در همه تعاریف ارائه شده برای امنیت اقتصادی، نقش نهادهای مرتبط با فضای سرمایه‌گذاری، افزایش پیش‌بینی‌پذیری متغیرهای اقتصادی و پایداری شرایط اطمینان‌بخش برای تداوم سرمایه‌گذاری از اهمیت خاصی برخوردار است. از جمله مواردی که طبق ادبیات نظری و شواهد تجربی موجود امنیت اقتصادی را به‌ویژه دهه‌هاست زیر سؤال برده تروریسم است.

تروریسم بر مردم هزینه تحمیل کرده و امنیت اقتصادی جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (سیف، ۱۳۸۹). هزینه‌های ناشی از تروریسم را می‌توان در دو دسته کوتاه‌مدت و بلندمدت طبقه‌بندی کرد. آثار کوتاه‌مدت که موجب بروز شوک ناگهانی بر فعالیت‌های روزمره اقتصاد و دارایی می‌شود و بیمه‌ها، سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت و بازار سرمایه، توریسم و نرخ اشتغال را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هزینه‌های بلندمدت این است که رشد اقتصادی را در بلندمدت و به تدریج تحت تأثیر منفی خود قرار می‌دهد. کسب‌وکارها مجبور به افزایش هزینه‌های امنیتی خود می‌شوند. امنیت زنجیره تأمین آنها و احتمالاً جایگزینی کامل سیستم زنجیره تأمین برای کسب‌وکارها، هزینه‌های گزافی را در پی دارد. تروریسم موجب می‌شود کشورها منابع خود را به‌جای استفاده جهت خلق ثروت بیشتر، برای افزایش سطح امنیت صرف کنند تا از منابع موجود حفاظت کنند.

سودر (۲۰۰۴) برخلاف رویکرد غالب، معتقد است که تروریسم از ۱۱ سپتامبر شروع نشد، هم آمریکا و هم اروپا به مانند سایر کشورها، دارای تاریخی بلند و تراژدیک در حملات تروریستی هستند. IRA<sup>۱</sup> در ایرلند شمالی، ETA<sup>۲</sup> در اسپانیا، تشکیلات سرخ<sup>۳</sup> در ایتالیا، ۱۷ نوامبر در یونان و فراکسیون ارتش سرخ<sup>۴</sup> در آلمان فقط نمونه‌هایی از گروه‌های تروریستی از ۱۹۵۰ بوده است. در ایالات متحده، بمب‌گذاری ۱۹۹۴ در شهر اوکلاهما، نشان از این دارد که تروریست پدیده‌ای بوده که قبل از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ روی داده است

1. Irish Republican Army (IRA)

2. Euskadi Ta Askatasuna (ETA)

3. Red Brigades

4. Rote Armee Fraktion

(Suder, 2004). حتی اگر فرض بر این باشد که مثال‌های فوق حملاتی تروریستی نبوده، و دیدگاه خود را محدود به بررسی جغرافیایی ناحیه مالی نیویورک کنیم، خواهیم دید که انفجار کامیون بمب‌گذاری شده سال ۱۹۹۳ در مرکز تجارت جهانی از اولین حملات تروریستی مدرن در آنجا بوده است (Czinkota, Knight and Liesch, 2004).

تروریسم پدیده‌ای پیچیده است که محققان را در تعریف و مفهوم‌پردازی خود با چالش مواجه ساخته (Ibid.). تعریف مفهوم تروریسم به دلیل پیچیدگی‌های اجتماعی دشوار است؛ این تعاریف می‌توانند به قدرت دولتی سرکوبگر، مشروعیت بخشند درحالی‌که از مبارزات مسالمت‌آمیز برای دستیابی به عدالت و صلح، سلب مشروعیت کنند. تفاسیر ارائه شده ممکن است خشونت را توجیه کنند که هرگز در شرایط عادی قابل قبول نیست یا می‌توانند اقدامات یک گروه خشونت‌طلب را تشویق کنند؛ گروهی که به صورت تصادفی به قتل قربانیان بی‌گناه زیر لوای انقلاب سیاسی دست می‌یازد (Bandyopadhyay, Sandler and Younas, 2011).

تروریسم در گذر تاریخ، تغییر مفهوم داده به طوری که فعالیت‌های خشونت‌آمیزی که در یک برهه تروریسم نامیده می‌شدند در برهه دیگر به جنگ و آزادی، یا در برهه دیگری به جرم و جنایت تغییر نام و ماهیت داده‌اند. تروریسم یک موجودیت فیزیکی دارای ابعاد قابل اندازه‌گیری نیست و نمی‌شود وزن آن را تجزیه و تحلیل کرد، اما «ساخت اجتماعی» آن در نوسان واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی و توسط افراد مختلف تعریف شده است (White, Porter and Mazerolle, 2013).

به اعتقاد پورتر و همکاران (۲۰۱۲)، تروریسم مدرن در سطح جهان، نشئت گرفته از انقلاب فرانسه (۱۷۹۹-۱۷۸۹) است، جایی که برای توصیف اقدامات دولت فرانسه مورد استفاده قرار گرفت. در سال ۱۸۴۸ از آن برای توصیف انقلابیون خشونت‌طلبی استفاده شد که علیه دولت شورش کرده بودند و سپس، این واژه برای توصیف گروه‌های مختلفی مانند سازمان‌های کارگری، آنارشئیست‌ها و گروه‌های ملی‌گرا که علیه قدرت‌های خارجی مبارزه می‌کردند به کار برده شد. پس از جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵-۱۹۳۹) و با قیام گروه‌های ملی‌گرا علیه سلطه اروپا بر کل جهان، مجدداً معنای تروریسم تغییر یافت (Porter, White and Mazerolle, 2012).

حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به عنوان زنگ خطری برای جهان به صدا درآمده و نشان داد که تروریسم فراملی تا چه حد می تواند پیام آور ناامنی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی باشد. حوادث ۱۱ سپتامبر به دلایل متعدد نشان دهنده توالی حوادث تروریستی بود. اول، مرگ و میر مرتبط با ۱۱ سپتامبر که تلفات انسانی ناشی از این حادثه تروریستی را با تعداد مرگ و میر ناشی از حوادث تروریستی فراملی از آغاز سال ۱۹۸۸ تا پایان سال ۲۰۰۰ برابر می دانند. دوم، زیان های مرتبط با این حادثه که بالغ بر ۸۰ میلیارد دلار گردید و باعث شده شرکت های بیمه پوشش خودکار ضرر و زیان های ناشی از حوادث تروریستی را پایان دهند. سوم، نشان داد که اشیاء معمولی را می توان به سلاحی مرگبار با عواقب فاجعه بار تبدیل کرد. با وجود حادثه ۱۱ سپتامبر، اگر هواپیماها طبقات پایین تر برج ها را هدف قرار داده بودند، تعداد تلفات می توانست بسیار بیش از این باشد. چهارم، ۱۱ سپتامبر تأکیدی بود بر اهداف امروزه تروریست های بنیادگرا که به دنبال حداکثر تلفات و ایجاد ترس گسترده در میان مردم هستند؛ برخلاف مبارزات تروریستی چپ گرایانه که عمدتاً در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به وقوع پیوسته و تنها به دنبال برنده شدن در یک حوزه انتخاب بودند. پنجم، ۱۱ سپتامبر تخصیص منابع عظیمی برای بسیج مبارزه کنندگان سراسر جهان با تروریسم موجب شد. ششم، اقدامات حفاظتی انجام شده در کشورهای ثروتمند توسعه یافته، نوک پیکان حملات پس از ۱۱ سپتامبر علیه این کشورها را به سمت منافع کشورهای فقیرتر همچون اندونزی، مراکش، کنیا، ترکیه و جاهای دیگر تغییر مسیر داد (Gaibullov, Sandler and Santifort, 2012).

در مجموع، از بیشتر تعاریف درباره تروریسم چنین مستفاد می شود که تروریسم عبارت است از سهمی که خشونت، یا تهدید ناشی از خشونت دارد که از این طریق به ایجاد رعب در مردم می پردازند و ترس ایجاد شده در مردم، در واقع، وسیله اعمال فشار بر دولت قرار می گیرد. این نوع ترس ممکن است تروریسم را برای رسیدن به مقاصد خود کمک کند که ذاتاً این اهداف با خشونت غیر مرتبط هستند (Suder, 2004). در چارچوب همین دیدگاه، تروریسم از شرایطی چون نابرابری های اقتصادی یا دولت های سرکوب گر (مانند دعوای ایدئولوژیکی، اخلاقی یا مذهبی که بین دولت مرکزی و سایر گروه ها ایجاد می شود) بروز می کند.



## ۲. پیشینه پژوهش

پویرسون (۱۹۹۸) به بررسی امنیت اقتصادی، سرمایه‌گذاری خصوصی و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه پرداخته است. براساس یافته‌های وی، افزایش سطح امنیت اقتصادی در این کشورها باعث افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و رشد اقتصادی آنها خواهد شد. وی مدل اصلی خود را با استفاده از روش پانل از ۵۳ کشور در حال توسعه طی سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۸۰ تخمین زده است. علت اصلی انتخاب این روش تعداد کم مشاهدات مربوط به امنیت اقتصادی برای کشورها بوده است. متغیرهایی نظیر حقوق سیاسی و شهروندی، ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی، بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی، فساد اداری، بوروکراسی پیچیده و ... از جمله متغیرهای نهادی است که در محاسبه شاخص کلی امنیت اقتصادی پویرسون وارد شده‌اند. نتایج مطالعات ایشان را می‌توان به صورت خلاصه این گونه عنوان کرد:

- بهبود اغلب شاخص‌های امنیت اقتصادی به صورت معناداری باعث افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌شود.

- سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به صورت محسوسی تحت تأثیر ریسک سلب مالکیت (مصادره اموال)<sup>۱</sup>، درجه آزادی مدنی<sup>۲</sup> و کیفیت بوروکراسی<sup>۳</sup> کشورها قرار دارد.

- کاهش ریسک سلب مالکیت و تروریسم سیاسی<sup>۴</sup> دو متغیر مهم امنیت اقتصادی هستند

که باعث افزایش رشد اقتصادی و بهبود محیط کسب‌وکار می‌شوند (Poirson, 1998).

فابریسیوس (۱۹۹۸) در مقاله‌ای به بررسی اهمیت بالای نهادها و متغیرهای نهادی در توضیح علل نوسانات نرخ سرمایه‌گذاری و سپرده‌های بانکی تأکید دارد. این محقق، کیفیت نهادی کشورها را در سه مقطع ۱۹۸۵، ۱۹۹۰ و ۱۹۹۵ با استفاده از روش پانل ارزیابی و تأثیر آن را بر سرمایه‌گذاری خصوصی و سپرده‌های بانکی بررسی کرده است. فابریسیوس برای ارزیابی محیط نهادی از ۱۲ متغیر نهادی که ICRG و خانه آزادی منتشر می‌کند استفاده و در پنج محور طبقه‌بندی کرده است:

- 
1. Risk of Expropriation
  2. Civil Liberties
  3. Bureaucracy Quality
  4. Political Terrorism

- سطح ثبات سیاسی<sup>۱</sup> (شامل دو متغیر)،
- ویژگی‌های دموکراتیک سیستم سیاسی<sup>۲</sup> (شامل دو متغیر)،
- کیفیت بوروکراسی (شامل دو متغیر)،
- کیفیت سیستم قانونی<sup>۳</sup> (شامل دو متغیر)،
- سطح خشونت<sup>۴</sup> (شامل چهار متغیر).

شاخص کلی امنیت اقتصادی استفاده شده توسط ایشان یک میانگین ساده از پنج محور ذکر شده در بالاست. فابریسیوس علاوه بر وارد کردن متغیر کلی امنیت اقتصادی در مدل، هریک از متغیرهای ۱۲ گانه تشکیل دهنده آن را، به منظور ارزیابی تأثیر ترتیبات نهادی<sup>۵</sup> بر سرمایه‌گذاری و سپرده‌های بانکی، نیز در مدل به تنهایی وارد کرده و تأثیرات آن را مشاهده کرده است. وی کشورها را به پنج گروه از نظر سطح امنیت اقتصادی تقسیم کرده و همه کشورهایی که کمترین سطح امنیت اقتصادی را داشتند در صحرای آفریقا و کشورهای با امنیت اقتصادی بالا را نیز کشورهای صنعتی تشکیل می‌دادند. نتایج حاصل از مطالعه فابریسیوس به طور خلاصه به صورت زیر است:

- ترتیبات نهادی و سرمایه‌گذاری همبستگی بسیار بالا و معناداری با یکدیگر دارند و این نتیجه، این نظریه را که ترتیبات نهادی بر رفتار عوامل اقتصادی مؤثر است تقویت می‌کند.
- سرمایه‌گذاری و سپرده‌های بانکی با همه ۱۲ متغیر نهادی همبستگی ندارند و تنها با برخی از آنها به صورت انفرادی ارتباط دارند.
- سرمایه‌گذاری خصوصی سرانه در این کشورها علاوه بر درآمد سرانه، نرخ رشد جمعیت، تغییرات نرخ ارز و سطح تجارت با متغیرهای کیفیت سیستم قانونی، فساد اداری، ریسک جنگ‌های داخلی، سطح تروریسم سیاسی و کیفیت بوروکراسی نیز مرتبط است.
- با این حال متغیر کلی امنیت اقتصادی تأثیری به مراتب بیشتر و معنادارتری بر متغیرهای مورد بررسی در مدل داشته است (Fabricius, 1998).

---

1. Political Stability  
 2. Political System  
 3. Legal System  
 4. Level of Violence  
 5. Institutional Arrangement

مطالعه اقتصاددانانی چون والتر و سندلر، از مقبول‌ترین و ابتدایی‌ترین مطالعاتی است که به صورت کمی تأثیر تروریسم بر اقتصاد و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را در یونان و اسپانیا مورد بررسی قرار داده‌اند. آنها با استفاده از داده‌های بازه زمانی ۱۹۷۰-۱۹۹۱ اذعان کردند که وقوع و پیدایش تروریسم، بر سطح سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اسپانیا به میزان ۱۳/۵ درصد و بر سطح سرمایه‌گذاری مستقیم یونان ۱۱/۹ درصد تأثیر منفی داشته است. همچنین نویسندگان اشاره کرده‌اند که وقوع تروریسم بر تشکیل سرمایه ناخالص اسپانیا ۷/۶ درصد و بر سطح ناخالص تشکیل سرمایه یونان حدود ۳۴/۸ درصد تأثیر می‌گذارد (Walter and Sandler, 1996).

دراکوز و کوتان (۲۰۰۳)، در مقاله‌ای تحت عنوان «تأثیر تروریسم بر توانایی جذب توریسم کشورها» به واکاوی تأثیر تروریسم بر صنعت توریست در کشورهای ترکیه، فلسطین و یونان پرداختند. تحلیل داده‌ها نشان داد که فعالیت‌های توریستی کمترین تأثیر را بر سطح فعالیت‌های توریستی یونان و بیشترین تأثیر را در ترکیه بر کسب‌وکارهای مبتنی بر گردشگری داشته است.

جانسون و ندلسکو، از اعضای صندوق بین‌المللی پول در مطالعه‌ای که به بررسی «تأثیر تروریسم بر بازارهای مالی» انجام دادند به این نتیجه رسیدند که تروریسم، هزینه‌های زیادی را به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر اقتصاد جهان برجا می‌گذارد. همچنین برخی از هزینه‌ها، ماهیتی کوتاه‌مدت داشته و شامل مواردی چون تخریب اموال و از بین بردن زندگی افراد و از هم پاشیدن روابط اجتماعی، راه‌اندازی مجدد سیستم‌ها و زیرساخت‌های تخریب شده و هزینه امدادسانی موقت برای بازماندگان حملات است. از طرف دیگر، از بین رفتن بنیه‌های سرمایه‌گذاری و فرار سرمایه‌گذاران از اقتصاد و کشور در درازمدت، تبعات سنگینی بر اقتصاد کشور داشته و موجب کاهش نرخ رشد اقتصادی شده و ناامنی اقتصادی را به بار می‌آورد (Johnston and Nedelescu, 2005).

اندرز ساچسیدا و سندلر<sup>۱</sup> (۲۰۰۶)، در مطالعه خود با عنوان «تأثیر تروریسم فراملی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی» بیان کرده‌اند که حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، تأثیر منفی بر سطح سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی انجام شده در این کشور دارد.

کینیانجوی (۲۰۱۴)، تأثیر تروریسم را بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کنیا، مورد مطالعه قرار داد. در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ کنیا مهم‌ترین مقصد سرمایه‌گذاری‌های خارجی در شرق آفریقا بود. از دهه ۱۹۸۰ با سیاست‌گذاری‌های غلط اقتصادی، فساد دولتی، ناکارآمدی دولت، خدمات عمومی زیر استاندارد و زیرساخت‌های ضعیف سرمایه‌گذاری خارجی طی سه دهه گذشته کنیا را تضعیف کرد. تروریسم نیز در تضعیف سرمایه‌گذاری خارجی در کنیا، بی‌تأثیر نبوده است. مخصوصاً حمله تروریست‌ها به فروشگاه‌ها در کنیا در سال ۲۰۱۳ که ۶۷ نفر کشته برجای گذاشت. با ادامه این قبیل حملات، رشد اقتصادی کشور کاهش پیدا کرد. کینیانجوی با استفاده از مدل رگرسیون چندگانه به ارتباط بین تروریسم و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پرداخت و آن را مورد آزمون قرار داد. او به این نتیجه دست یافت که در بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ تروریسم تأثیر منفی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کنیا داشته است (Kinyanjui, 2014).

البته باید اشاره کرد که برخی تحقیقات نیز نشان داده‌اند تروریسم به‌طور غیرمستقیم و نه مستقیم سطح سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، که از آن جمله می‌توان به مطالعه ادوبور، اشاره کرد که تأثیر تروریسم را بر کارآفرینان نیجریه‌ای مورد بررسی قرار داده است. نیجریه کشوری است که تروریسم، همه جنبه‌های اقتصاد آن را تهدید می‌کند. او ۱۲۰ نفر از کارآفرینان منطقه جنوب و جنوب غربی نیجریه را مورد مطالعه قرار داد و داده‌های حاصل از پرسشنامه را با روش تحلیل روند، با داده‌های مربوط به تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مورد آزمون قرار داد و به این نتیجه رسید که تروریسم در نیجریه تأثیر مستقیمی بر سرمایه‌گذاری خارجی و تولید ناخالص داخلی ندارد. با این وجود تروریسم در نیجریه بر کارآفرینی بین‌المللی تأثیر می‌گذارد. این هم به‌نوبه خود در بلندمدت بر تولید ناخالص داخلی این کشور تأثیر خواهد گذاشت. به‌عنوان نتیجه، این محقق بیان می‌کند که تروریسم تأثیر زیادی بر فعالیت‌های کارآفرینانه در نیجریه دارد. به بیان دیگر، تأثیر منفی تروریسم بر فعالیت کارآفرینان مورد تأیید قرار گرفت ولی نتایج حاصل از تحقیق تأثیر تروریسم در نیجریه بر تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این کشور را مورد تأیید قرار نداده است (Edobor, 2014).

### ۳. بررسی موردی گروه تروریستی داعش<sup>۱</sup>

ریشه داعش به جماعت توحید و جهاد می‌رسد که در سال ۱۹۹۹ به رهبری ابومصعب الزرقاوی تأسیس شد و در سال ۲۰۰۴ به شبکه القاعده پیوست و پس از آن به القاعده عراق معروف شد. در واقع این گروه که به تازگی تغییر نام داده و خود را «دولت اسلامی» می‌خواند، تحت نام‌ها و اشکال مختلف از اوایل ۱۹۹۰ وجود داشته است و داستان آن با چگونگی تکامل تروریسم درهم آمیخته است، به گونه‌ای که این گروه در طول زمان از تفکرات ایدئال سیاسی و مذهبی به یک فرقه مرگبار تبدیل شده است (Petranick, 2015).

ابومصعب الزرقاوی در سال ۱۹۸۹ با نیت اینکه خود را مجاهد جلوه دهد وارد افغانستان شد. پس از سال‌ها دوباره به اردن منتقل شد و یکی از چهره‌های حاشیه‌ای در خشونت‌های بین‌المللی «جهاد» باقی ماند، پس از چند سال به افغانستان بازگشت و به راهاندازی اردوگاهی آموزشی برای تروریست‌ها پرداخت، و با اسامه بن لادن در سال ۱۹۹۹ ملاقات کرد.

پس از سقوط طالبان در ۲۰۰۱، زرقاوی مجبور به فرار به عراق شد، حضور او در عراق بهانه‌ای برای دولت بوش بود که همدستی او با دولت عراق و صدام حسین را مطرح کند، و چون در سال‌های قبل رابطه او با بن لادن زیاد بود، بهانه‌ای در دست ایالات متحده بود که عراق را حامی تروریسم بداند، در واقع زرقاوی که به عنوان نیرویی آزاد در عراق حرکت می‌کرد، اندکی پس از یورش آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، فرصت این را یافت تا پیشرو تأسیس گروهی باشد که امروزه با عنوان داعش (یا دولت اسلامی عراق و شام)، شناخته می‌شود که البته بیشتر نیروهای آن غیرعراقی بودند. با وجود اینکه زرقاوی و بن لادن شعارهایی نسبتاً نزدیک به هم داشتند، اما زرقاوی از همان ابتدا هدف خود را کاملاً مجزا کرد. او در ابتدا مردم عراق - اکثریت شیعه - را مورد هدف کشتارهای خود قرار داد، این در حالی است که گرچه از نظر بن لادن، مسلمانان شیعه مرتد بودند، اما معمولاً از کشتار آنها صرف نظر می‌کرد (Tausch, 2013).

تا سال ۲۰۱۴ مجموعه سرزمین‌هایی که داعش بر آنها تسلط داشت بیش از خاک انگلیس و با جمعیتی بالغ بر ۱۰ میلیون نفر بود. همچنین داعش بر بیشتر فعالیت‌های صنعتی و بازرگانی این مناطق اعمال قدرت کرده و بر منابع طبیعی و کالاهای عمومی از نفت و

کالاهای کشاورزی گرفته تا معدن در کنترل خود قرار داده است. از طرفی دیگر میزان دارایی نقدی در دست داعش حدود ۲ تریلیون دلار با میزان درآمد سالانه ۲/۹ میلیارد دلار آمریکا تخمین زده می‌شود، و با توجه به اهمیت این ارقام، احتمال دارد که این سازمان سعی در ورود به جریان اصلی اقتصاد یا از طریق سیستم بانکی یا برخی بخش‌های صنعتی، به‌ویژه انرژی و کالاها کند که این موضوع نشان‌دهنده سطح بی‌سابقه‌ای از خطر و ریسک برای اقتصاد منطقه و جهان است (Brisard and Martinez, 2014).

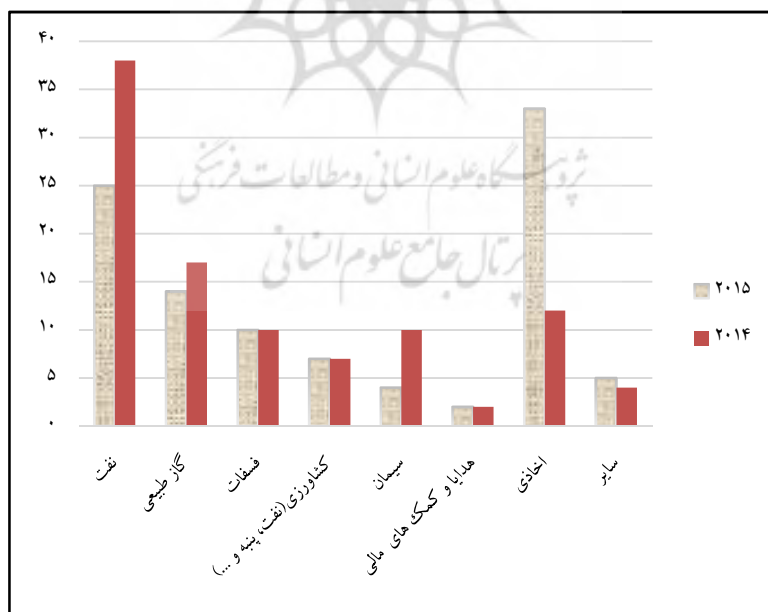
از آغاز به کار، این گروه برای تأمین مالی عملیات خود به شدت به فعالیت‌های غیرقانونی متکی بود. همچنین کمک‌های مالی خصوصی و سازمانی نشئت گرفته از کشورهای حوزه خلیج فارس از جمله عربستان سعودی، کویت و قطر دریافت می‌کرد. داعش در سال ۲۰۱۴ نخستین محموله‌های نفت را از میدان نفتی عجیل به منطقه کردستان عراق صادر کرد. این گروه در آن زمان ۱۰۰ تانکر نفت خام را به قیمت حدود ۱۲ تا ۱۴ هزار دلار برای تأمین مالی عملیات‌های خود به فروش می‌رساند. همچنین در این زمان کنترل همه میدان‌های نفتی و گازی مهم سوریه را در استان دیرالزور که هم‌مرز عراق است، در دست داشت و یکی از منابع اصلی درآمد داعش، نفت و گازی است که از منابع زیرزمینی سوریه غارت می‌کنند. عمده خریداران این نفت و گاز دلال‌های سوختی هستند که نفت خریداری شده را به مقصد اروپا و آمریکا روانه می‌کنند (Ibid.).

همچنین این گروه تروریستی برای دستیابی به اهداف استراتژیک خود علاوه بر منابع طبیعی نیاز به تأمین مالی از سایر منابع نیز دارد که یکی از خلاقانه‌ترین شیوه‌های در دسترس این گروه، مدیریت سرزمین‌های تحت سلطه خود و تعیین مالیات است. به طوری که در ۲۰۱۴ در هر ماه ۸ میلیون دلار از این طریق عاید گروه می‌شد. مالیات شامل موارد زیر می‌شود (Ibid.):

- مالیات بر تمامی کالاها،
- مالیات بر شرکت‌های ارتباط از راه دور،
- مالیات بر برداشت پول نقد از بانک‌ها،
- مالیات ۵ درصدی بر رفاه اجتماعی و سایر اهداف عمومی بر تمامی درآمد‌ها،

- مالیاتی ۲۰۰ دلاری در عراق شمالی،
  - مالیات ۸۰۰ دلاری بر هر کامیونی که از مرزهای اردن و سوریه وارد عراق می‌شوند،
  - مالیات بر غارت مکان‌های باستانی (۲۰ درصد در حلب و ۵۰ درصد در رقه)،
  - جزیه بر حفاظت از گروه‌های غیرمسلمان.
- با این روند برقراری سیستم مالیاتی قوی در نواحی تحت سلطه داعش در عراق و سوریه می‌تواند درآمد ماهانه ۳۰ میلیون دلار (یا سالانه ۳۶۰ میلیون دلار) برای آنها داشته باشد. البته این شیوه اخذی منحصر به داعش نبوده و امروزه همه گروه‌های تروریستی مستقر در کل نقاط دنیا به این شیوه‌ها متوسل هستند. اما درخصوص نحوه تعیین مالیات توسط داعش مقداری ابتکار و خلاقیت دیده می‌شود.
- نمودار ۱ اقلام تشکیل‌دهنده تأمین مالی گروه تروریستی داعش را نشان می‌دهد، چنانکه ملاحظه می‌شود نفت، گاز و اخذی اصلی‌ترین منبع تأمین مالی این گروه است.

نمودار ۱. اقلام تشکیل‌دهنده تأمین مالی گروه تروریستی داعش



Source: Center for the Analysis of Terrorism, 2016.

#### ۴. محیط کسب و کار و تروریسم

نقشی که تروریسم در کاهش ثبات محیط کسب و کار و قدرت اقتصادی جهان داشته و دارد قابل توجه است (مانند کاهش قدرت اقتصادی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۱). نکته مهم در این باره این است که تروریسم توان تأثیرگذاری بر همه صنایع از جمله تروریسم، صنعت هوانوردی و خرده‌فروشی در سطح جهانی دارد که طبیعتاً این تأثیری مثبت نبوده بلکه تأثیری منفی است (Sageman, 2014). اینکه تروریسم با چه سازوکاری موجب تأثیرگذاری بر کسب و کار و محیط آن می‌شود موضوعی است که اخیراً ذهن پژوهشگران را به خود مشغول ساخته، اما به‌ویژه در محیط بین‌المللی، عدم قطعیت اصلی‌ترین ویژگی محیط کسب و کار است، که این عدم قطعیت محیطی، به‌شدت با تروریسم و فعالیت‌های تروریستی در سطح بین‌المللی ارتباط دارد. عدم قطعیت به‌صورت «کمبود اطلاعات در رابطه با حوادث آتی که پیامدهای آنها غیرقابل پیش‌بینی است» تعریف شده است (Tversky and Kahneman, 1974).

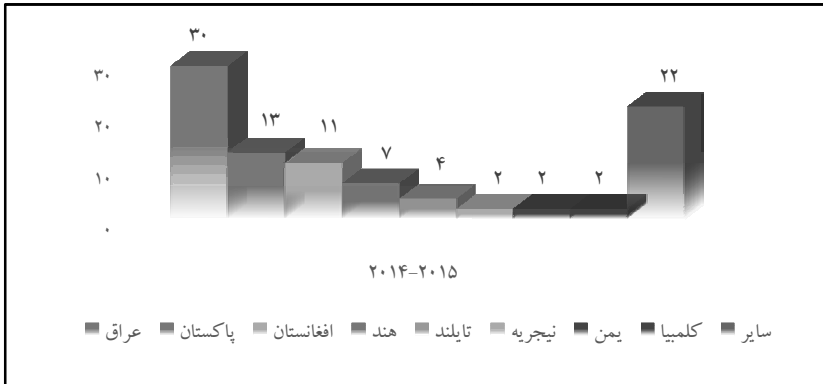
محققان بر جنبه‌های مختلفی از تروریسم از جمله اقتصاد، جرم‌شناسی، تاریخ و ارتباطات بین‌المللی تأکید داشته و مطلب می‌نویسند، اما با این وجود و با توجه به تسلط کسب و کار بین‌الملل در عصر حاضر، هنوز نظریه‌ای جامع در خصوص تروریسم وجود ندارد. هنوز، حملات تروریستی علیه کسب و کارهای بین‌المللی بیشتر از هر هدف دیگری گزارش می‌شود. برای مثال از سال ۱۹۹۶، هر ساله بیش از ۳۰۰ حمله تروریستی علیه کسب و کارها گزارش شده است (US Department of State, 2002)، در سال ۲۰۰۱، تروریست‌های بین‌المللی بیش از ۳۹۷ تسهیلات تجاری را در سراسر جهان مورد حمله خود قرار دادند. این در حالی است که تسهیلات نظامی و دولتی فقط ۳۵ بار در همان سال مورد حمله تروریستی قرار گرفتند. از سال ۱۹۹۶ آمریکای لاتین به مکانی برای حملات تروریستی بین‌المللی تبدیل شده بود و به‌دنبال آن اروپای شرقی، آسیا و خاور میانه به‌شدت مورد این حملات قرار گرفتند که بمب‌گذاری در اشکال مختلف، آدم‌ربایی، وندالیسم و هواپیماربایی از جمله اقدامات اخیر چنین گروه‌هایی بوده است (Ibid.).

نمودار ۲ نیز نشان می‌دهد در بازه ۲۰۱۵-۱۹۷۵ شهروندان و کسب و کارها از مطلوب‌ترین اهدافی بوده است که گروه‌های تروریستی دنبال می‌کنند.





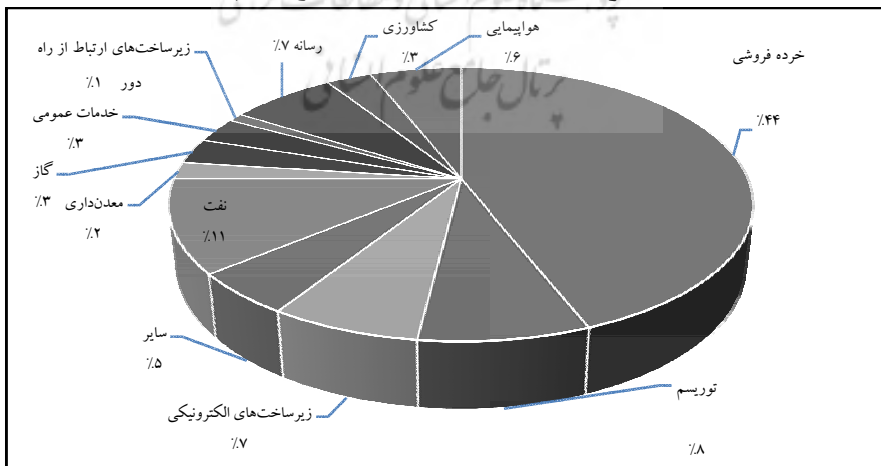
### نمودار ۳. کشورهای هدف گروه‌های تروریستی



Source: Aon, 2015

همان‌گونه که در نمودار ۴ نیز مشاهده می‌شود، عمده‌ترین حملات تروریستی بر کسب‌وکارها در درجه نخست کسب‌وکارهای فعال در بخش خرده‌فروشی بوده و این نوع کسب‌وکارها بیشترین صدمه را (با ۴۴ درصد)، تا سال ۲۰۱۶ از حملات تروریستی دیده‌اند، و پس از آن نیز کسب‌وکارهای مرتبط با نفت و تورسم (به ترتیب ۱۱ و ۸ درصد)، بیش از کسب‌وکارهای دیگر، هدف حملات تروریستی قرار گرفته‌اند.

### نمودار ۴. کسب‌وکارهای هدف تروریسم



Source: Knomea, 2016.

## ۵. تأثیر تروریسم بر سطح رقابت‌پذیری ایران

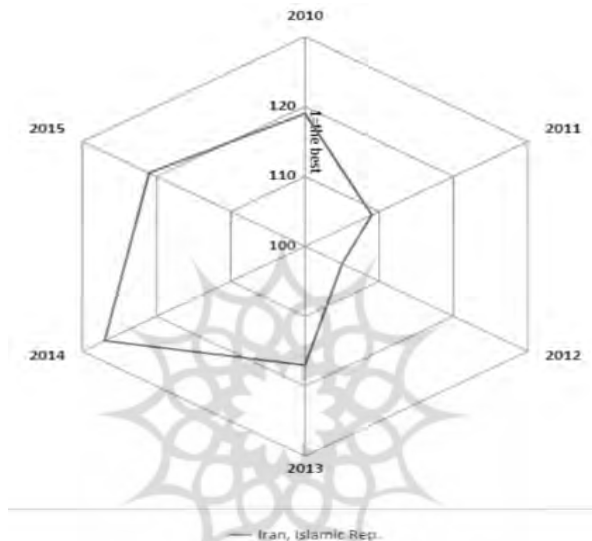
گزارش رقابت‌پذیری جهانی یکی از گزارش‌هایی است که سالانه در مجمع جهانی اقتصاد تهیه می‌شود. مجمع جهانی که بیش از سه دهه است به مطالعه و ارزیابی عوامل مؤثر در رقابت‌پذیری کشورها اشتغال دارد از سال ۲۰۰۵ تاکنون شاخص رقابت‌پذیری جهانی را مبنای تحلیل‌های خود از رقابت‌پذیری کشورها قرار داده است. این شاخص ابزاری کامل و همه‌جانبه جهت سنجش ارکان رقابت‌پذیری ملی در اقتصاد خرد و کلان کشورها محسوب می‌شود (Schwab, 2009). شاخص رقابت‌پذیری جهانی با فراهم آوردن میانگین وزنی برای بسیاری از مؤلفه‌ها که هر یک به ارزیابی جنبه‌ای از رقابت‌پذیری اختصاص دارند، این مفهوم گسترده را قابل بررسی می‌سازد. همه این مؤلفه‌ها در قالب «دوازده رکن رقابت‌پذیری» قابل دسته‌بندی هستند. در این بین، هزینه تروریسم بر کسب‌وکارها از جمله زیرشاخص‌های مهم یکی از ارکان دوازده‌گانه (نهادها)، شاخص رقابت‌پذیری جهانی به حساب می‌آید که تأثیر بسیار زیادی بر سطح رقابت‌پذیری از خود برجای می‌گذارد. برای درک اهمیت شاخص مذکور بررسی نمودارها و جداول ارائه شده در ادامه می‌تواند نقش مؤثری بازی کند.

همان‌طور که در نمودار ۵ ملاحظه می‌شود در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ هزینه‌ای که تروریسم بر کسب‌وکارهای کشور داشته است، نسبت به سال‌های قبل بسیار معنادارتر بوده، و اینکه چرا در دو سال اخیر سطح معناداری هزینه‌ها نسبت به سال‌های قبل افزایش پیدا کرده است، با توجه به افزایش نزاع و درگیری در منطقه خاورمیانه و حضور بیش‌ازپیش گروه‌ک تروریستی داعش به‌راحتی قابل درک است. طبق این نمودار رتبه کشور در شاخص هزینه تروریسم بر کسب‌وکار در سال ۲۰۱۴، ۱۲۷ و در سال ۲۰۱۵، ۱۲۱ بوده است.

همچنین به‌منظور درک بهتر شرایط موجود از لحاظ رقابت‌پذیری و تأثیری که تروریسم می‌تواند در کسب‌وکار و سطح رقابت‌پذیری کشور بگذارد، به مقایسه تطبیقی بین کشورهای ایران، پاکستان، ترکیه و اتریش پرداخته‌ایم. چنانکه ملاحظه می‌شود اتریش که کشوری نسبتاً امن (از نظر وقوع و یا تأثیرپذیری از حملات تروریستی) به‌شمار می‌آید، در بازه زمانی ۲۰۱۵-۲۰۰۶ همیشه میزان هزینه‌ای که تروریسم بر کسب‌وکار آن کشور تحمیل کرده بسیار پایین بوده و این کشور غیر از سال ۲۰۱۵ که رتبه ۱۳ را کسب کرده،

رتبه‌های زیر ۱۰ را به دست آورده است و متناسب با آن نیز میزان رقابت پذیری اقتصاد ملی این کشور نیز در این سال‌ها بسیار بالا بوده و در این بازه زمانی همیشه جزء رتبه‌های زیر ۲۵ از منظر رقابت پذیری بوده است.

### نمودار ۵. رتبه کشور در شاخص هزینه تروریسم



Source: World Economic Forum, 2015.

از طرفی، کشوری مثل پاکستان که برعکس اثریش در معرض تعداد و تنوع زیاد حملات تروریستی قرار دارد هزینه‌ای که از این طریق بر کسب و کار کشور تحمیل می‌شود، بسیار زیاد بوده و از این نظر در بازه زمانی ۲۰۱۵-۲۰۰۶ رتبه پاکستان هیچ سالی پایین‌تر از ۱۱۵ نبوده و مطابق با این میزان رقابت‌پذیری اقتصاد ملی این کشور نیز در همه این سال‌ها بالای ۸۲ بوده که از این منظر جزو کشورهای بسیار ضعیف است.

ترکیه نیز که به‌ویژه در سال‌های اخیر تحت حملات شدید تروریستی قرار داشته، از منظر هزینه‌ای که تروریسم بر کسب و کار این کشور وارد کرده، معمولاً رتبه‌ای نه‌چندان قابل قبول در این بازه زمانی کسب کرده است.

داده‌های حاصل از مجمع اقتصاد جهانی گویای این نکته است که ایران نیز طی مدت

مذکور از نظر هزینه‌هایی که تروریسم بر کسب‌وکار این کشور وارد کرده، در رتبه‌های بالای ۱۰۰ قرار داشته که به تبع آن نیز سطح رقابت‌پذیری اقتصاد ملی نیز در رتبه‌های پایین قرار داشته است. البته باید اذعان کرد که به دلیل شرایط تحریمی در سال‌های اخیر (طبق جدول ۱) عمده بازار هدف کسب‌وکارهای ایرانی در کالاهای غیرنفتی، کشور عراق بوده که در سال‌های اخیر همیشه رتبه اول را در تعداد و تنوع حملات تروریستی داشته است. جدول ۱ خلاصه تطبیقی تجربه کشورها در هزینه تروریسم بر کسب‌وکار را نشان می‌دهد.

**جدول ۱. مقایسه تطبیقی کشورها در هزینه تروریسم بر کسب‌وکار**

سال	ایران		اتریش		پاکستان		ترکیه
	هزینه تروریسم بر کسب‌وکار	شاخص رقابت‌پذیری جهانی	هزینه تروریسم بر کسب‌وکار	شاخص رقابت‌پذیری جهانی	هزینه تروریسم بر کسب‌وکار	شاخص رقابت‌پذیری جهانی	
۲۰۰۶	-	-	۵	۱۸	۱۱۵	۸۳	۵۸
۲۰۰۷	-	-	۸	۱۵	۱۲۳	۹۲	۵۳
۲۰۰۸	-	-	۸	۱۴	۱۳۱	۱۰۱	۶۳
۲۰۰۹	-	-	۱	۱۷	۱۳۱	۱۰۱	۶۱
۲۰۱۰	۱۱۹	۶۹	۷	۱۸	۱۳۸	۱۲۳	۶۱
۲۰۱۱	۱۰۹	۶۲	۷	۱۹	۱۴۱	۱۱۸	۵۹
۲۰۱۲	۱۰۵	۶۶	۴	۱۶	۱۴۳	۱۲۴	۴۳
۲۰۱۳	۱۱۷	۸۲	۶	۱۶	۱۴۴	۱۳۳	۴۴
۲۰۱۴	۱۲۷	۸۳	۶	۲۱	۱۳۹	۱۲۹	۴۵
۲۰۱۵	۱۲۱	۷۴	۱۳	۲۳	۱۳۹	۱۲۶	۵۱

Source: World Economic Forum, 2015.

### ۶. تأثیر تروریسم بر سطح سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

برای برقراری امنیت اقتصادی لازم است به همه خصوصیات بستر شکل‌گیری سرمایه‌گذاری توجه شود که این موارد در قالب دو گروه کلی تضمین حقوق مالکیت که به رفع نواقص هزینه‌های معاملاتی اشاره دارد، و برقراری فضای رقابت سالم، که به از بین بردن نواقص

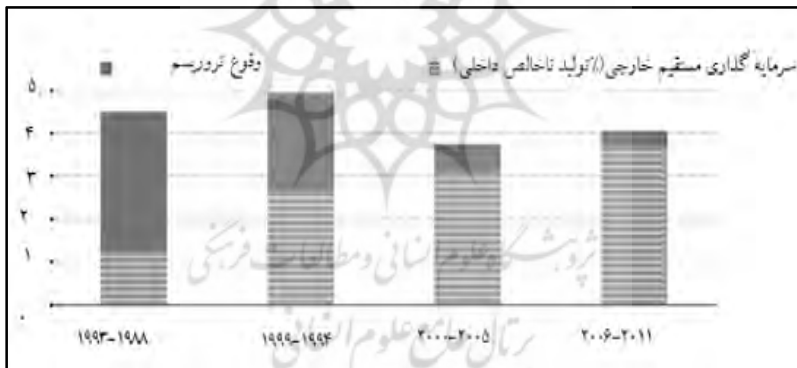
ساختاری اشاره دارد، قابل بررسی است. در این راستا مورد اول از جهت حفاظت از اصل دارایی و مورد دوم به منظور بهره‌برداری از دارایی در جهت سودآوری بیشتر، حائز اهمیت است. محیط نهادی مورد نیاز سرمایه‌گذاری، شامل متغیرهایی نظیر ثبات سیاسی، ثبات نهادهای قانونگذاری، ثبات قوانین، ثبات اجتماعی، کیفیت قابل قبول بوروکراسی، فساد دستگاه اداری، مصادره و تصرف اموال خارجی، حق مالکیت معنوی و ... می‌شود. هزینه‌های معاملاتی و نااطمینانی و ریسک سیاسی، اقتصادی و حقوقی از عوامل تعیین‌کننده FDI است. تقریباً در همه تئوری‌های موجود در مورد FDI که پس از دهه ۱۹۶۰ میلادی ارائه شده است بر جنبه‌هایی از نااطمینانی و ریسک ناشی از نواقص بازار، هزینه‌های معاملاتی، اطلاعات ناقص و ... اشاره شده است. سطح ثبات سیاسی، فساد سیستم اداری، کیفیت بوروکراسی، کیفیت سیستم قانونی و عواملی نظیر این بر محیط سرمایه‌گذاری تأثیر بسزایی دارد (Poirson, 1998).

تروریسم در سراسر جهان به‌عنوان مشکلی بر سر راه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بروز کرده است. با افزایش احتمال فعالیت گروه‌های تروریستی، احتمالاً سرمایه‌گذاران بین‌المللی نیز از مناطقی با فعالیت‌های تروریستی فراوان، دوری می‌گزینند (Rasheed and Tahir, 2012). روشن است که یک حمله تروریستی می‌تواند زیرساخت‌ها را ویران کند و موجب اختلاس در کسب‌وکار شود. بنگاه‌ها نیز درصدد پرهیز از هزینه‌های حفاظت از امکانات خود در برابر حملات تروریستی هستند. این هزینه‌ها شامل هزینه‌های تأمین امنیت تأسیسات، هزینه‌های تأیید صلاحیت کارکنان و هزینه‌های اضافی بیمه می‌شود (Abadie and Gandeazabal, 2003). از آنجا که کارکنان، کار کردن در محلی امن را به کار در فضای تروریستی ترجیح می‌دهند، هزینه‌های استخدام نیز افزایش می‌یابد. با افزایش سطح عمومی نااطمینانی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به محیط‌های امن‌تر سوق می‌یابد (Hashim, 2015). اینک تروریسم با چه سازوکاری بر سطح سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر می‌گذارد را می‌توان در قالب مثال زیر مطرح کرد:

فرض کنید شرکتی بین‌المللی از ایالات متحده آمریکا به دلیل وجود نیروی کار ارزان

و وفور منابع، قصد سرمایه‌گذاری در هندوستان را دارد. حال اگر محیط هندوستان برای استقرار گروه‌های تروریستی، محیطی مساعد باشد، احتمال از دست رفتن سرمایه و همچنین اجرایی نشدن برنامه‌هایشان با وجود قدرت و تجهیزاتی که در اختیار تروریست‌هاست، بالاست و قطعاً آن شرکت از سرمایه‌گذاری صرف‌نظر خواهد کرد. برای فهم روشن‌تر این قضیه می‌توان به مورد کلمبیا در سال‌های دور (۱۹۸۰)، اشاره کرد که به دلیل وجود گروهک‌های تروریستی و قاچاقچیان مواد مخدر کشوری بدنام برای سرمایه‌گذاران تلقی می‌شد. پس از سال‌های ۱۹۹۰ که تروریسم در آنجا کم‌رنگ‌تر شد، سطح سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کلمبیا به‌طور معناداری افزایش یافت. در ادبیات مربوط به این حوزه، تحقیقات منسجمی وجود ارتباط بین سطح سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تروریسم را به‌خوبی نشان داده‌اند (Chenoweth, 2013).

#### نمودار ۶. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تروریسم در کلمبیا



Source: Chenoweth, 2013.

چنانکه در جداول و نمودارهای ارائه شده در ذیل ملاحظه می‌شود، هر چقدر رتبه کشورها در شاخص تروریسم جهانی روبه بدتر شدن می‌گذارد، هم راستا با آن، رتبه کشور در میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز بدتر می‌شود. به‌عنوان مثال، پاکستان که در سال ۲۰۱۲ رتبه سوم (در اینجا رتبه یک، یعنی بدترین شرایط) را از نظر وجود تروریسم و عملیات تروریستی داشته است، در مقابل رتبه ۷۱ را در

جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از خود به نمایش گذاشته است. همچنین ترکیه نیز در سال ۲۰۱۲ رتبه ۱۷ را در شاخص تروریسم جهانی داشته که به تبع آن نیز در رتبه جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جایگاه چهارم را به خود اختصاص داده است.

اگر به کشور اتریش توجه کنیم متوجه خواهیم شد که رتبه بالای (۹۵) این کشور در شاخص تروریسم جهانی که به معنای کم بودن میزان و تنوع حملات و گروه‌های تروریستی در این کشور است، با رتبه این کشور در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (رتبه ۱۸)، ارتباط معناداری دارد. و در نهایت ایران نیز که در سال ۲۰۱۲ رتبه ۲۸ تروریسم جهانی را به خود اختصاص داده است، در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نسبتاً ضعیف عمل کرده و رتبه ۶۶ را به خود اختصاص داده است.

#### جدول ۲. رتبه کشورها در شاخص تروریسم جهانی

سال <sup>۱</sup>	پاکستان	ترکیه	اتریش	ایران
۲۰۱۲	۳	۱۷	۹۵	۲۸
۲۰۱۱	۲	۱۹	۶۹	۱۷

Source: Global Terrorism Index, 2013 and 2012.

#### جدول ۳. رتبه کشورها در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

سال	پاکستان	ترکیه	اتریش	ایران
۲۰۱۲	۷۱	۴۰	۱۸	۶۶
۲۰۱۱	۹۲	۶۵	۴۰	۸۸

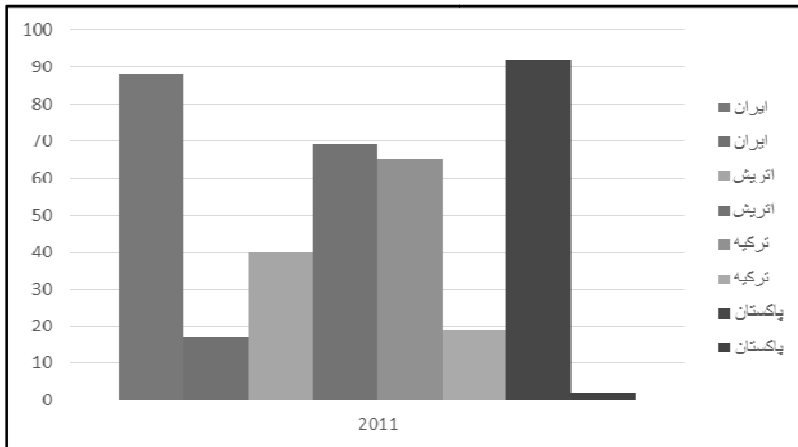
Source: Knomea, 2016.

نمودارهای ۷ و ۸ به منظور ارائه گویا و واضح‌تر ارتباط بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تروریسم در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ به نمایش گذاشته شده است.

۱. منطقی‌ترین آمار در دسترس سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ بوده است.

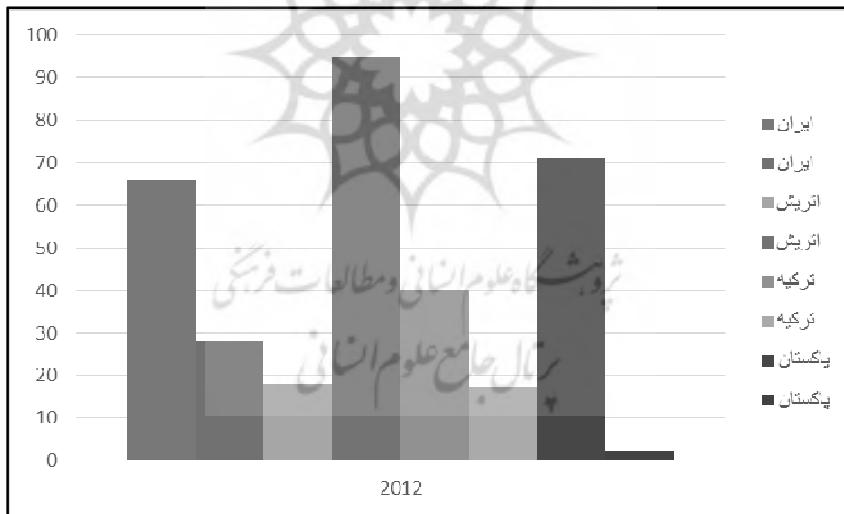


نمودار ۷. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و توریسم سال ۲۰۱۱



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

نمودار ۸. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و توریسم سال ۲۰۱۲



مأخذ: همان.

### ۷. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

فضای سرمایه‌گذاری نیازمند امنیت اقتصادی است؛ امنیت اقتصادی به ایجاد شرایط مساعد برای بهبود محیط کسب‌وکار منجر می‌شود. طبق مبانی نظری، با افزایش سطح امنیت

اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و در نتیجه رشد اقتصادی در آنها افزایش می‌یابد. هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی علل اقتصادی شیوع تروریسم در منطقه و تأثیر آن بر محیط کسب و کار ایران بود. لذا با مرور ادبیات مربوط به تروریسم و محیط کسب و کار سعی در ریشه‌یابی این مسئله شده است.

تروریسم از چند طریق می‌تواند با تهدید امنیت اقتصادی به افزایش ریسک و عدم قطعیت در محیط کسب و کار کشورها منجر شود؛ کاهش تقاضای مشتریان برای کالا و خدمات؛ کاهش در عرضه ورودی‌ها، منابع و خدمات مورد نیاز کسب و کارها؛ تغییر ماهیت ارتباطات تجاری بین کشورها و پیچیدگی بیشتر پدیده‌های کلان اقتصادی از جمله نمودهای بارز عدم قطعیت در محیط کسب و کار کشورهاست.

یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که تروریسم می‌تواند به‌عنوان منبعی برای فقدان امنیت اقتصادی تلقی شود. آثار عدم امنیت اقتصادی در عدم جذب یا کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و تغییر معنادار حجم تجارت بین کشورهای درگیر در تروریسم متبلور می‌شود. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که به‌طور متوسط، کسب و کارها بیش از هر هدف دیگری در معرض حملات تروریستی قرار می‌گیرند و برخی کسب و کارها مانند خرده‌فروشی، بیشترین میزان آسیب را از این حملات می‌بینند.

در ارزیابی پیامدهای تروریسم بر محیط کسب و کار باید به جنبه‌های مختلفی توجه داشت. آثار مستقیم و غیرمستقیم، خرد و کلان، فوری، کوتاه‌مدت و بلندمدت و نسبت فعالیت‌های تروریستی به فعالیت‌های هر کشور جنبه‌های مختلف قابل تحلیل هستند. در مطالعه حاضر، با توجه به آمار در دسترس برای سطح رقابت‌پذیری و میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جذب شده توسط کشورها، آثار تروریسم را در برخی کشورها مقایسه کردیم. نتایج حاکی از این بود که کشورهای دارای رتبه بالا از منظر تروریسم، رتبه پایینی در سطح رقابت‌پذیری و میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جذب کرده‌اند و برعکس؛ به‌عنوان نمونه، پاکستان کشوری است که در همه جنبه‌ها از حضور و وقوع حملات تروریستی رنج می‌برد و از رتبه‌های برتر وجود تروریسم در بین کشورهای جهان است، از نظر سطح رقابت‌پذیری اقتصاد ملی در رتبه بسیار پایینی قرار دارد که مشابه این شرایط

برای ترکیه و ایران نیز قابل پیش‌بینی است. در مقابل این کشورها، اثریش که دارای محیطی نسبتاً عاری از تروریسم است، شرایط رقابت‌پذیری و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بهتری را تجربه کرده است.

در مجموع، به نظر می‌رسد راه‌حل آسانی برای مواجهه با تروریسم و کنترل آثار اقتصادی آن وجود ندارد؛ پیشنهادهاى زیر احتمالاً می‌تواند از منظر سیاست‌گذاری به برنامه‌ریزان سطح کلان کشور کمک کند تا برای ارتقای امنیت اقتصادی تدبیر بیندیشند:

- اصلاح ساختار نهادی محیط کسب‌وکار به منظور حداقل‌سازی هزینه تروریسم بر کسب‌وکار در کشور.

- فرهنگ‌سازی، ایجاد حس و باور عمومی در جامعه که تروریسم عامل تخریب اقتصادی و فرار سرمایه است.

- همکاری با مجامع بین‌المللی در تصویب قوانینی که تأمین مالی تروریسم را جرم بین‌المللی و مشارکت در عملیات تروریستی شناخته و با اقتصادهای خاطی برخورد بین‌المللی کند.

- تدوین قوانینی برای حصول اطمینان از اینکه اشخاص، به‌ویژه سازمان‌های غیرانتفاعی، نمی‌تواند مورد سوءاستفاده تروریسم به‌منظور تأمین مالی قرار گیرند.

- اصلاح رویه‌های تسهیل‌کننده کسب‌وکار مانند رویه‌های راه‌اندازی و تعطیلی کسب‌وکارها به‌منظور حداقل کردن هزینه‌های ناشی از تروریسم.

- ارائه فرصت شغلی برای جوانان جویای کار به‌منظور کاهش فقر و در نتیجه جلوگیری از پیوستن جوانان به گروه‌های تروریستی.

## منابع و مأخذ

۱. پورسید، بهزاد (۱۳۸۲). «امنیت اقتصادی در بعد سرمایه‌گذاری خارجی»، مجموعه مقالات همایش راهکارهای توسعه امنیت اقتصادی، معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه.
۲. تمدن، محمدحسین و مسعود درخشان (۱۳۸۲). «نکاتی چند درباره امنیت اقتصادی و راه‌های تأمین آن»، مجموعه مقالات همایش راهکارهای توسعه امنیت اقتصادی، معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه.
۳. سازمان توسعه تجارت (۱۳۹۴). آمار بازارهای هدف صادراتی بازه زمانی ۱۳۹۳-۱۳۸۷، تهران، نمایه آماری سازمان توسعه تجارت.
۴. سیف، اله‌مراد (۱۳۸۹). «مفهوم‌شناسی امنیت اقتصادی»، فصلنامه آفاق امنیت، ۳(۹).
5. Abadie, A. and J. Gandeazabal (2003). "The Economic Costs of Conflicts: A Case Study of the Basque Country", *American Economic Review* 93.
6. Abadie, A. and J. Gardeazabal (2008). "Terrorism and the World Economy", *European Economic Review*, 52(1).
7. Aon (2015). Terrorism & Political Violence Risk Map, *Risk Advisory*.
8. Bandyopadhyay, S., T. Sandler and J. Younas (2011). "Foreign Direct Investment, Aid, and Terrorism: An Analysis of Developing Countries", Federal Reserve Bank of St. Louis. <http://research.stlouisfed.org/wp/2011/2011-004.pdf>.
9. Brisard, J. and D. Martinez (2014). *Islamic State: The Economy-based Terrorist Funding*, Thomson Reuters.
10. Center for the Analysis of Terrorism (2016). ISIS Financing, <https://cat-int.org/wp-content/uploads/2016/06/ISIS-financing-2015-report.pdf>.
11. Chenoweth, E. (2013). "Terrorism and Democracy", *Annual Review of Political Science*, 16.
12. Collins, A. (2016). *Contemporary Security Studies*, Oxford, Oxford University Press.
13. Czinkota, M., G. Knight and P. Liesch (2004). "Terrorism and International Business: Conceptual Foundations. Terrorism and the International Business Environment", *The Security-business Nexus*.
14. Drakos, K. and A. M. Kutan (2003). Regional Effects of Terrorism on Tourism in Three Mediterranean Countries, *J Confl Resoult* 47 (5).
15. Edobor, F. O. (2014). "The Impact of Terrorism and Violence on Entrepreneurs in Nigeria", Reaserch Papers on Knowledge, Innovation and Enterprise.
16. Enders W., A. Sachsida and T. Sandler (2006). "The impact of Transnational Terrorism on US Foreign Direct Investment", *Polit Res Q* 59(4).
17. Fabricius, M. (1998). The Impact of Economic Security on Bank Deposits and Investment, IMF, WP/98/98.
18. Gaibullov, K., T. Sandler and C. Santifort (2012). "Assessing the Evolving Threat of Terrorism", *Global Policy*, 3(2).

19. Global Terrorism Index (2015). "Measuring And Understanding The Impact of Terrorism", *Instituted for Economics and Pwace*, available: <http://economicsandpeace.org/wp-content/uploads/2015/11/Global-Terrorism-Index-2015.pdf>.
20. \_\_\_\_\_ (2013). "Measuring And Understanding The Impact of Terrorism", *Instituted for Economics and Pwace*, available: <http://economicsandpeace.org/wp-content/uploads/2015/11/Global-Terrorism-Index-2015.pdf>.
21. \_\_\_\_\_ (2012). "Measuring And Understanding The Impact of Terrorism", *Instituted for Economics and Pwace*, available: <http://economicsandpeace.org/wp-content/uploads/2015/11/Global-Terrorism-Index-2015.pdf>.
22. Hashim, A. (2015). *Policy Report The Impact of the Islamic State in Asia*, Singapore, Military Studies Programme, Institute of Defence and Strategic Studies (IDSS), S. Rajaratnam School of International Studies (RSIS), Nanyang Technological University (NTU).
23. Johnston , R. and O. Nedelescu (2005). "The Impact of Terrorism on Financial Markets", Working Paper, *International Monetary Fund*.
24. Kinyanjui, S. (2014). "The Impact of Terrorism on Foreign Direct Investment in Kenya", *International Journal of Business Administration*, (5), 3.
25. Knoema (2016). *World Data Atlas*, Retrieved from <http://knoema.com/atlas>.
26. Larbonia, M. and R. Pate (2009). "The Impact of Terrorism on Business", *Journal of Global Business Issues*, (3)1.
27. Merolla, J. and E. Zechmeister (2013). "Evaluating Political Leaders in Times of Terror and Economic Threat: The Conditioning Influence of Politician Partisanship", *The Journal of Politics*, 75(03).
28. Ozer, A. (2016). Terrorism in the World, *Journal Socialomics*, 5(140).
29. Petranick, M. (2015). On Isis, The Reality of the 21st Century Battlefield.
30. Poirson, H. (1998). "Economic Security, Private Investment and Growth in Developing Countries", IMF, WP/98/4.
31. Porter, M., G. White and L. Mazerolle (2012). *Innovative Methods for Terrorism and Counterterrorism Data, In Evidence-based Counterterrorism Policy* (pp. 91-112), New York, Springer.
32. Rasheed, H. and M. Tahir (2012). "FDI and Terrorism: Co-integration & Granger Causality", *International Affairs and Global Strategy*, 4(0).
33. Richards, A., P. Fussey and A. Silke (2012). Chapter 1-Towards an Understanding of Terrorism and the Olympics: Chapter Taken from *Terrorism and the Olympics* ISBN: 978-0-203-83522-7, Routledge Online Studies on the Olympic and Paralympic Games, 1(41).
34. Sageman, M. (2014). "The Stagnation in Terrorism Research", *Terrorism and Political Violence*, 26(4).
35. Schwab, K. (ed.) (2009). *The Global Competitiveness Report 2009-2010*, World Economic Forum.
36. Suder (2004). *Terrorism and the International Business Environment The Security-Business Nexus*, Cheltenham, UK Northampton, MA, USA: Edward Elgar.

37. Tausch, A. (2013). Global Terrorism and World Political Cycles1, *Globalistics and Globalization Studies: Theories: Research and Teaching*, 191.
38. Tversky, A. and D. Kahneman (1974). "Judgment under Uncertainty: Heuristics and Biases", *Science*, 185.
39. US Department of State (2002). Patterns of Global Terrorism, Available at: <https://www.state.gov/j/ct/rls/crt/2002>.
40. Walter, E., A. Sachsida and T. Sandler (2006). "The Impact of Transnational Terrorism on U.S. Foreign Direct Investment", *Political Research Quarterly*, Vol. 59, No. 4.
41. Walter, S. and T. Sandler (1996). "Terrorism and Foreign Direct Investment in Spain and Greece", *Kyklos*, Vol. 49, No. 3.
42. White, G., M. Porter and L. Mazerolle (2013). "Terrorism Risk, Resilience and Volatility: A Comparison of Terrorism Patterns in Three Southeast Asian Countries", *Journal of Quantitative Criminology*, 29(2).
43. World Economic Forum (2015). *Global Competitiveness Report*, Available at: [http://www3.weforum.org/docs/gcr/2015\\_2016/Global\\_Competitiveness\\_Report\\_2015-2016.pdf](http://www3.weforum.org/docs/gcr/2015_2016/Global_Competitiveness_Report_2015-2016.pdf).
44. Worrell, M. (2012). *Terror: Social, Political and Economic Perspectives*, Routledge.

